
بررسی اهداف، مبانی و اصول تربیت جنسی کودک از منظر آیات و روایات

راضیه ناطقی^۱

چکیده

یکی از ساحت‌های مهم تربیتی، «تربیت جنسی» است. تربیت صحیح در مسائل جنسی با توجه به گرایش طبیعی انسان به مسائل شهوانی نامشروع، اهمیت بیشتری می‌یابد. به همین دلیل لازم است مربیان و والدین با کسب اطلاعات لازم، زمینه‌های تربیتی متریبان و کودکان را فراهم کنند. با توجه به این‌که همزمان با رشد کودک و افزایش سن، تغییرات رشدی هم برای او اتفاق می‌افتد، مربی با اطلاعاتی که به کودک می‌دهد و نوع روش تربیتی که به کار می‌برد، رشد شناختی و جنسی او را افزایش می‌دهد. این تحقیق با هدف دستیابی به اهداف، مبانی و اصول تربیت جنسی کودک نوشته شده است. روش انجام این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است. هدف نهایی تربیت جنسی در اسلام، قرب الی الله و رسیدن به کمال مطلق و خشنودی خداوند است. در نهایت، با بررسی آموزه‌های آیات و روایات دو مینا و شش اصل مهم در تربیت جنسی کودک ثابت شد.

کلیدواژه‌ها: تربیت جنسی، کودک، مربی، اصول و مبانی.

مقدمه

تربیت مسئله‌ای مهم و مرکز توجه متفکران شرق و غرب بوده است. یکی از شاخه‌های تربیت، «تربیت جنسی» است که به‌خصوص برای کودک، حساسیت و ظرافت‌های خاصی دارد، زیرا با کوچک‌ترین اشتباه و غفلتی، زمینه فساد و تباهی فرزندان فراهم می‌گردد. دین اسلام در مسئله تربیت جنسی فرزندان و متریبان، راهکارهای خوبی به منظور سلامت جنسی کودک بیان کرده تا با انجام آن، متریبان، در آینده به انحرافات جنسی کشیده نشوند.

۱. دانش‌پژوه مقطع دکتری رشته فقه و معارف اسلامی گرایش کلام، جامعه المصطفی، العالمیه، نمایندگی خراسان. (نویسنده مسئول) Raziye_Nateghi@miu.ac.ir

از آنجاکه با رشد جسمانی کودک، به تدریج تغییرات مختلفی در ساحت‌های بینشی، انگیزشی و رفتاری او تحقق می‌یابد و به مرور کنجکاوی‌های کودک در مورد مسائل جنسی بیشتر می‌شود، برای این‌که کودک به واسطه این کنجکاوی‌ها به انحراف کشیده نشود، بر مربی لازم است آگاهی‌های خود را بیشتر کند، زیرا او با اطلاعاتی که به کودک می‌دهد به رشد شناختی و جنسی او کمک می‌کند و از این منظر نقش وی برجسته می‌شود.

پژوهش‌ها و مطالعات در هر نظام تعلیم و تربیتی، معمولاً بر اساس مؤلفه‌های مهم و عناصر اصلی آن (مبانی، اصول، اهداف و روش‌ها) صورت می‌گیرد. در تعلیم و تربیت جنسی نیز همین رویکرد پژوهشی مورد توجه اندیشمندان تربیت اسلامی است. در این نوشتار، اهداف، مبانی و اصول تربیت جنسی کودک به اختصار ذکر می‌شود و از آنجاکه روش‌های تربیت جنسی نیاز به بحث مفصل‌تر دارد، پژوهش جداگانه‌ای را می‌طلبد.

پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است: «هدف از تربیت جنسی کودک چیست و از منظر آموزه‌های دینی چه مبانی و اصولی دارد؟» تاکنون تحقیقات زیادی در زمینه تربیت جنسی با نگاه اسلامی انجام شده است؛ اما اکثر این پژوهش‌ها به بیان مسائل اخلاقی و ارشادی در حوزه دین بسنده کرده‌اند. همچنین این پژوهش‌ها در مورد مسائل مبتلابه جامعیت ندارد. در این تحقیق در حد بضاعت کمبودهای موجود رفع شده و نویسنده به بیان اهداف، اصول و مبانی تربیت جنسی کودک پرداخته است. نخست لازم است مفاهیم اصلی پژوهش بررسی شوند:

۱. مفهوم‌شناسی

مفهوم‌شناسی واژگان در پژوهش‌ها، می‌تواند در فهم و به‌کارگیری درست آن کمک کند. برای همین، بررسی و معناشناسی واژگان در این تحقیق ضروری به نظر می‌رسد. واژه‌های «تربیت»، «جنسی»، «تربیت جنسی» و «کودک» مفاهیمی هستند که نیاز به واکاوی دارند و به ترتیب بررسی می‌شوند.

الف) تربیت

«تربیت» مصدر باب تفعیل و از دو ریشه «ری ب» و «رب و» است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۸۳) در ریشه «ربب» به معنای اصلاح و برعهده‌گرفتن کاری و همراه با آن (همان، ص ۳۸۲) حفظ و مراعات و سرپرستی (ابن مکرّم، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۰۱) و نیز ایجاد چیزی و تکامل‌بخشی تدریجی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۷۷) آن به کار می‌رود. تربیت در ریشه «ربو» به معنای زیادت، رشد و نمو و علو است. (ابن مکرّم، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۳۰۴)

تربیت در اصطلاح در شش معنا به کار رفته (ر. ک: اعرافی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۲۳ _ ۱۴۱) که در تمام آن‌ها تغییر تدریجی مد نظر است. به نظر می‌رسد تحوّل

تدریجی در معنای لغوی و اصطلاحی تربیت، جزء جدایی‌ناپذیر آن است و می‌توان گفت عام‌ترین عنصر مفهوم تربیت، تغییر تدریجی است؛ از این‌رو تربیت را می‌توان چنین تعریف کرد:

«فرایند یاری‌رسانی به مربی برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری او که به واسطه عامل انسانی دیگر به منظور دستیابی وی به کمال انسانی و شکوفاسازی استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهای او باشد». (توضیح بیشتر، ر. ک: اعرافی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۴۱) در این تعریف، به عناصر اصلی فرایند تربیت یعنی مربی و متربی، عملیات تربیتی مربی (کمک به متربی) و ویژگی فرایند تربیت که تغییر تدریجی در طول زمان است، اشاره شده است و از این‌رو تعریفی جامع است.

ب) جنسی

مفهوم عام «جنس» در کتب لغت اعم از نوع است و به نوعی از اشیاء، انسان، پرندگان و ... اطلاق می‌شود. (حسینی واسطی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۲۳۱؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۵۹؛ فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۱۱) این اصطلاح در زبان فارسی، در حوزه‌های مختلف، معانی و کاربردهای گسترده و متفاوتی دارد. در عرف جامعه، کلمه «جنس» در نوع یا صنفی از انواع و اصناف کالا یا خدمات نیز به کار می‌رود. (جمعی از پژوهشگران زیر نظر هاشمی، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۱۲۶) وقتی «بیا» نسبت به این کلمه اضافه می‌شود (جنسی)، گویا نوعی انحصار در کاربرد این اصطلاح جدید مشاهده می‌شود که آن را در معنای جنسیت (مذکر و مؤنث) یا روابط و ویژگی‌های خاص هر کدام از این دو جنس زن و مرد، اختصاص می‌دهد. از سوی دیگر با اضافه شدن بیا نسبت، دیگر این کلمه به‌تنهایی به کار نرفته است؛ بلکه همواره به‌صورت واژه ترکیبی به کار می‌رود و بسته به این‌که چه واژه‌ای به آن افزوده شده، معانی مختلفی را افاده می‌کند؛ برای مثال رشد جنسی، تربیت جنسی، رفتار جنسی، هویت جنسی، نقش جنسی، بلوغ جنسی و غریزه جنسی؛ از این‌رو در علوم چون علوم تربیتی و روان‌شناسی و همچنین کاربردهای اخلاقی، «جنس»، «جنسی» و «جنسیت» در حوزه‌های مربوط به انسان و ویژگی‌های خاص زنانگی و مردانگی او به کار می‌رود و معادل کاربرد واژه‌های Sex، Sexy، Gender و Sexual در زبان انگلیسی می‌باشد که به جنسیت (مذکر و مؤنث) افراد و یا ویژگی‌های روان‌شناختی، زیست‌شناختی و آناتومی و فیزیولوژیکی او اشاره دارد. (اعرافی، ۱۳۹۶، ج ۲۶، ص ۲۵)

به عبارت دیگر، اصطلاح «جنس» به دختر و پسر بودن یا مذکر و مؤنث بودن که بر تفاوت‌های بیولوژیک زن و مرد و خصوصیات زیست‌شناختی آن‌ها دلالت دارد (بُستان، ۱۳۸۸، ص ۳) و بر ویژگی‌های شخصیتی و روانی زن و مرد ناظر است، اشاره دارد. طبق این تعریف، جنسیت، یکی از مفاهیم اساسی است که در زندگی اجتماعی انسان مطرح است و تأثیری مهم بر همه جنبه‌های زندگی افراد خواهد

داشت. اهمیت جنسیت مربوط به امور ناچیز تا لایه‌های عمیق وجود انسانی است. (ر. ک: زارع، ۱۳۹۲، ص ۷)

ج) تربیت جنسی

«تربیت جنسی» را به‌صورت‌های گوناگونی تعریف کرده‌اند. برخی آن را «انتقال اطلاعات و مسائل جنسی» دانسته‌اند. طبق این تعریف، مربی باید از برخی مطالب آگاه باشد و این دانستنی‌ها را به دیگری منتقل کند. در این تعریف، تربیت جنسی با آموزش جنسی برابر گرفته شده است.

برخی در تعریف آن نوشته‌اند: «زمینه‌ها و عوامل مربوط به مسائل جنسی طوری فراهم شود که استعدادهای شخصی در جهت رسیدن به کمال اختیاری فرد شکوفا شود و او را برای رسیدن به کمال مطلوب یاری دهد». (ثابت، ۱۳۸۶، ص ۴۴)

در این تعریف، تربیت جنسی دایره‌ای وسیع‌تر از آموزش جنسی دارد؛ به‌گونه‌ای که آموزش جنسی بخشی از تربیت جنسی به حساب می‌آید، زیرا آموزش، مقدمه تربیت محسوب می‌شود. مصباح یزدی در این‌باره می‌نویسد: «تربیت اعم از آموزش است، زیرا برای هر تربیتی به آموزش نیازمندیم، درحالی‌که برای هر آموزشی، به تربیت نیاز نیست. در واقع، آموزش مقدمه تربیت به حساب می‌آید». (به نقل از: ثابت، ۱۳۸۶، ص ۴۲-۴۳)

تربیت، صدرصد مبتنی و متوقف بر آموزش نیست، ولی در مواردی تربیت بدون آموزش، ممکن نمی‌شود. (همان، ص ۴۴) چنان‌که برخی دیگر بدین امر اشاره دارند که تربیت جنسی، تنها آموزش جنسی، دانستنی‌های جنسی یا پروردن و اوج دادن غریزه جنسی نیست، بلکه مقصود از آن، ایجاد زمینه‌ها و موقعیت‌هایی است که متربی را با ارضا و هدایت غریزه جنسی یا رفتار جنسی اعتدال‌آمیز و هماهنگ با هدف خلقت، آشنا می‌سازد؛ بهداشت و سلامت جسمی و روحی او را تأمین می‌کند و زمینه رشد شخصیت فردی، اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی وی را به وجود می‌آورد. همچنین متربی را از انحراف و لغزش مصون می‌دارد و سعادت و کامیابی دنیوی و اخروی‌اش را فراهم می‌آورد. (بهشتی، ۱۳۸۵، ص ۹۲)

با صرف نظر از بررسی تعاریف مذکور و اشاره به تعاریف دیگر، به تعریف مختار از تربیت جنسی در اثر حاضر بسنده می‌شود: «تربیت جنسی مجموعه‌ای از آموزش‌ها است که به هدایت جنسی متربی در دوره‌های مختلف زندگی کمک می‌کند و با ایجاد زمینه‌های مناسب برای رشد شخصیتی وی در ابعاد اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی، او را از انحرافات جنسی مصون می‌دارد».

با توجه به این تعریف، تربیت جنسی محدوده زمانی وسیعی را دربرمی‌گیرد که حتی دوران قبل از تولد را نیز شامل می‌شود. همچنین حوزه وسیعی از مؤلفه‌هایی را که در تربیت جنسی تأثیرگذار است (مسائل اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی) را نیز شامل می‌شود. در این تعریف، تربیت جنسی، مفهومی عام دارد و آموزش جنسی را نیز دربرمی‌گیرد. (حافظ ثابت نیز به این عمومیت اشاره کرده است. ر. ک: ثابت،

(۱۳۸۶، ص ۴۵)

د) کودک

حدّ فاصل میان نوزادی و نوجوانی را در عرف «دوره کودکی» می‌گویند. علمای حقوق ذیل کلمه «صغیر» می‌گویند: «پسر و دختری که به بلوغ شرعی نرسیده است از محجورین است، به محض رسیدن به بلوغ حجر او محو می‌شود، بدون این‌که احتیاج به صدور حکم از سوی حاکم شرع باشد، اگر پیش از بلوغ به حدّی رسد که دارای تمیز باشد او را صغیر ممیز گویند». (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۲۳۵۲)

واژه «کودک»، در لغت به چند معنا استعمال شده است؛ طفل، کوچک، صغیر، بچه (خواه پسر باشد یا دختر) و نیز فرزندی که به حد بلوغ نرسیده است. (دهخدا، ۱۳۶۱، ج ۱۲، ص ۱۸۶۸۸، ذیل واژه کودک) در زبان قرآن، روایات و متون فقهی نیز کلماتی همچون «طفل»، «صبّی»، «صغیر»، «مُراهِق»، «حَدَث» و «غلام» معادل کلمه «کودک» به کار رفته است؛ اما در اصطلاح فقها، صغیر [کودک] «کسی است که به سن بلوغ نرسیده باشد». (ر. ک: جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۴۰۶)

با توجه به قابلیت یادگیری کودکان، در این سنین، همان‌گونه که مفاهیم و آموزه‌های دینی با ارائه راهکارهای دقیق علمی به کودکان قابل آموزش است، آموزه‌های جنسی را نیز می‌توان متناسب با فرایند و مراحل رشد کودک به وی تعلیم داد. از آنجاکه کنجکاوی‌های جنسی کودک در سنین اولیه کودکی به‌صورت خفیف شروع می‌شود، تعلیم صحیح و به‌هنگام برخی آموزه‌های جنسی توسط مربی می‌تواند از فساد، انحراف، اختلال و نابهنجاری‌های جنسی در دوره‌های نوجوانی و جوانی جلوگیری کند. برای همین، برخی علمای تربیت معتقدند: «اگر آموزش‌های جنسی به وسیله اولیا از کودکی آغاز شود و در نوجوانی تکمیل گردد، موفقیت نوجوانان در مقابله با این مشکلات بیشتر خواهد شد». (ر. ک: اعرافی، ۱۳۹۶، ج ۲۶، ص ۴۳-۷۶؛ همان، ۱۳۹۳، ص ۱۴۰-۱۷۰)

۲. اهمیت و ضرورت تربیت جنسی کودک

انسان دارای دو بعد جسم و روح است و از آنجاکه این ابعاد نسبت به یکدیگر تأثیر و تأثر متقابل دارند، تربیت او هم باید همه‌جانبه و در عین حال هماهنگ باشد، به‌ویژه این‌که رشد این ابعاد همراه با هم و به‌صورت هم‌زمان اتفاق نمی‌افتد. از این‌رو تربیت در هر زمینه‌ای باید با رشد آن زمینه متناسب باشد.

از سوی دیگر، صاحب‌نظران و اندیشمندان تربیتی به این نتیجه رسیده‌اند که در دوران کودکی، پایه‌های اساسی شخصیت شکل می‌گیرد و از دوره نوجوانی این شخصیت تثبیت می‌شود. بنابراین متولیان امر تربیت، باید به این نکته توجه داشته باشند و برای تربیت فرزندان، از کودکی سرمایه‌گذاری کنند. امام علی (ع)؟ در وصیّتی به فرزندش امام حسن (ع)؟ می‌فرماید: «وَإِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ

شَيْءٌ قَبْلَهُ فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَفْسُقَ قَلْبُكَ»؛ (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص ۳۹۳) همانا قلب نوجوان مانند زمین خالی از کشت است که هر چه در آن بریزی، می‌پذیرد؛ از این رو به تربیت و تأدیب تو اقدام کردم پیش از این که قلب تو سخت شود (و شخصیت تو شکل بگیرد) و فکر و اندیشه‌ات، (به چیزی غیر از آنچه به خیر و صلاح توست) مشغول گردد». (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص ۳۹۳)

اگر بنا باشد تربیت به صورت جامع انجام شود، باید تربیت جنسی را حلقه‌ای از حلقه‌های آن به شمار آورد و با توجه به این که مسائل جنسی به صورت چشم‌گیری دیگر ابعاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، توجه به تربیت در این زمینه، ضروری است. (شهیدی‌نژاد، گلچین، ۱۳۹۱، ص ۲۴ _ ۲۵) قطعاً در این روند، نقش نهادهای آموزشی و مربیان در نحوه رشد شخصیتی کودک امری انکارناپذیر است.

اگر تربیت جنسی از همان کودکی توسط مربیان جدی گرفته شود، مشکلات کمتری در بزرگسالی گریبان‌گیر فرد و جامعه می‌شود. وجود شرم و حیای نابجا در مربی و والدین موجب شده تا هنگام سوالات کودک در زمینه مسائل جنسی یا آن را بی‌پاسخ بگذارند یا با سردی و پاسخ‌های نامناسب، از جواب صحیح و مناسب به کودک طفره بروند، حال آن که کوچک‌ترین اشتباهی در این باره ممکن است مایه تباهی و فساد کودک شود. دین اسلام هم به مسائل جنسی بی‌تفاوت نیست، بلکه توجهی خاص به آن کرده است و آیات و روایات زیادی به شیوه رفتار همجنس و غیرهمجنس اشاره داشته‌اند. (برای اطلاع بیشتر ر. ک: مطهری، ۱۳۷۹، ص ۱۹، بخش مسئله حجاب) با این حال، متأسفانه این بُعد از تربیت در ایران و به‌ویژه در نهادهای آموزشی مغفول مانده و فراموش شده است. فقدان اطلاعات علمی کافی مربیان و مسئولان آموزشی در این موضوع، تربیت کودک را مختل کرده است. حال آن که تربیت جنسی کودک بدون وجود برنامه هدفمند و مدون امکان‌پذیر نیست.

بنابراین، اگر بخواهیم مسائل مرتبط با امور جنسی در جامعه به صورت واقع‌بینانه حل شود و کودکان امروز، در آینده به فساد و انحرافات جنسی مبتلا نشوند، نیازمند نظام تربیتی مدون، مبتنی بر آیات و روایات و فقه شیعی هستیم و مربیان و برنامه‌ریزان نیز هرچند به ضرورت مسئله واقف باشند، چون مبانی تصمیم‌گیری آن‌ها قوی و مستدل و اسلامی نیست، نمی‌توانند تصمیمات عملیاتی بگیرند. کوتاه سخن آن که تربیت جنسی علاوه بر رشد صحیح و سالم کودک، از بسیاری انحرافات، اختلالات و بیماری‌های جنسی در آینده جلوگیری می‌کند. در نتیجه لازم است این برنامه در قالب یک نوشتار علمی تدوین و به متولیان امر جهت بهروری عرضه شود.

۳. اهداف تربیت جنسی کودک

هر عملی دارای اهدافی است. تربیت جنسی هم به منزله زیرشاخه‌ای از تعلیم و تربیت، باید هدفی را دنبال کند. هدف نهایی از تربیت جنسی قرب الی الله و رسیدن به

کمال مطلق و خشنودی خداوند است. توضیح این‌که وجود انسان در تمام ساحات باید به‌سوی «الله» حرکت کند. خدا انسان را روی زمین خلیفه قرار داده است: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره/ ۳۰) من در روی زمین، جانشینی [نماینده‌ای] قرار خواهم داد». لازمه این خلیفه الهی آن است که انسان در تمامی ساحاتش -از نبیّتش گرفته تا اعمال و رفتارش - پی‌جوی این نکته باشد و حرکتش به‌سوی قرب الهی باشد. ۱. یکی از ساحات انسان غریزه جنسی است. هدف اولیه غریزه جنسی، ارضای آن به‌صورت صحیح است تا انسان به انحراف و فساد کشیده نشود. هدف بالاترش رسیدن به سکون و آرامش است: «لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»؛ (روم/ ۲۱) تا در کنار آنان آرامش یابید. به تعبیر قرآن، زن و مرد با ارضای این غریزه به سکون می‌رسند. سکون در آیه اطلاق دارد و سکون جسمی، روحی، اقتصادی و... را شامل می‌شود. آیه در ظاهر و لفظ، به سکون مرد در کنار زن اشاره دارد، اما این سکون دوطرفه است. چون مرد تحریک‌ش فعال و بیرونی است، اما زن از درون نیاز به سکون و آرامش دارد. بنابراین هنگام قرار گرفتن زن و مرد در کنار یکدیگر، هر دو به آرامش می‌رسند. پس غریزه جنسی باید به‌درستی هدایت شود و این مسیر به ازدواج منتهی می‌شود. اما هدف غایی در غریزه جنسی، قرب الهی است، زیرا با کنترل غریزه جنسی و ارضای آن در چارچوب شریعت جلوی بسیاری از فسادها گرفته می‌شود و جامعه پاکی ظهور می‌کند که همه در اندیشه ارتقای معرفت و قرب الی الله گام برمی‌دارند.

تربیت جنسی در همین راستا باید دارای مبانی، اصول، روش‌ها و عملکردهایی باشد که خداوند از انسان انتظار دارد. هر انسانی، با توجه به شرایط محیطی، اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی، فعالیت‌ها و استعدادهایش را به‌گونه‌ای تنظیم می‌کند که خود را به این هدف عالی نزدیک‌تر کند. اما برای رسیدن به این هدف می‌توان اهداف واسطه‌ای دیگر را نیز در نظر گرفت. (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۲۵)

هدف اول: به وجود آوردن شرایط مناسب برای رشد سالم جنسی

یکی از اهداف مهم تربیت جنسی این است که رشد جنسی کودکان، در شرایطی سالم و طبیعی و به دور از هرگونه نارسایی‌ها، بلوغ زودرس و سایر انحرافات جنسی انجام گیرد. کودک باید همواره در شرایطی آرام و بدون استرس و اضطراب و مشغولیت‌های جنسی مراحل رشد خود را سپری کند تا بتواند در سنین نوجوانی رشدی مطلوب و طبیعی داشته باشد. اگر کودک در سنین خردسالی نتواند رشد جنسی قابل قبولی داشته باشد، انحرافات جنسی خود را به دوره نوجوانی و سپس به دوره جوانی و بزرگسالی خواهد رساند. او در بزرگسالی نمی‌تواند نقش پدر و مادری خود را به‌خوبی ایفا کند و مسلماً خانواده‌ای نامطلوب خواهد داشت. (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۲۶)

هدف دوم: شناخت و انتظار درست از هویت جنسی

۱. آیه «صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنْ اللَّهِ صِبْغَةً وَ تَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ»؛ (بقره/ ۱۳۸) رنگ خدایی (بپذیرید! رنگ ایمان و توحید و اسلام) و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است؟! و ما تنها او را عبادت می‌کنیم.

تربیت صحیح جنسی، باعث به وجود آمدن آگاهی صحیح و داشتن توقعات بجا از هویت جنسی کودکان است. این آگاهی صحیح می‌تواند با توانایی‌های جنسی مطابقت کامل داشته باشد. این هدف باید در دوره کودکی برآورده شود تا فرد در بزرگسالی بتواند مسئولیت‌های خود را متناسب با جنسیتش انجام دهد. (همان)

یک مثال از تربیت جنسی صحیح این است که والدین به کودکان خود آموزش‌هایی درباره بدنشان، حریم شخصی و احترام به خود و دیگران بدهند. این آموزش‌ها باعث می‌شود کودکان آگاهی صحیحی از جنسیت خود پیدا کنند و توقعات متعارف از هویت جنسی خود را بشناسند. آموزش‌هایی که بر احترام به مرزهای بدنی دیگران تأکید دارد، می‌تواند به رشد اعتمادبه‌نفس و احترام به خود و دیگران در کودکان کمک کند.

هدف سوم: پیشگیری از انحرافات جنسی و ایجاد زمینه پاکدامنی در جامعه

هدف مهم دیگر تربیت جنسی، جلوگیری از انحراف جامعه و حفظ آن از فساد و آلودگی‌های جنسی است. از آنجاکه بسیاری از انحرافات جنسی دوران بزرگسالی از کودکی آغاز می‌شود، ضرورت توجه به تربیت جنسی کودکان اهمیت می‌یابد. مربیان باید به ضرورت و اهمیت ماهیت رفتار جنسی توجه داشته باشند. (همان، ص ۲۸)

هدف چهارم: آماده ساختن دختر و پسر برای زندگی سالم خانوادگی

تربیت جنسی صحیح کودکان باعث می‌شود که غریزه جنسی آنان در سنین بزرگسالی به‌درستی اداره شود و در بزرگسالی با ازدواجی صحیح و پیوندی عمیق بتوانند خانواده‌ای سالم و در نتیجه جامعه‌ای سالم و به دور از فساد اخلاقی داشته باشند. از طرف دیگر، تربیت جنسی که بر پایه اصول صحیح استوار است، باعث می‌شود که زوجین نیازهای جنسی یکدیگر را درک کنند و بتوانند با ایفای صحیح نقش خود در این ارتباط، باعث تحکیم هرچه بیشتر خانواده و جلوگیری از تزلزل پیوند خانوادگی شوند. در دنیایی که از لحاظ علمی در حال پیشرفت و از لحاظ روحی در حال تحولات بسیار زیادی است، نباید از تربیت جنسی کودکان غفلت ورزید. متأسفانه برخی مربیان فقط به فکر پیشرفت درسی کودکان هستند و نمی‌دانند که کودکان علاوه بر تحصیل و پرورش جسم به آموزش جنسی نیز نیاز دارند. (همان، ص ۲۹) بنابراین مهدکودک‌ها و مدارس در جایگاه دومین نهاد تربیتی در جامعه، موظف‌اند مسئولیت مهم تربیت جنسی کودکان را بر عهده بگیرند.

۴. مبانی تربیت جنسی کودک

منظور از مبانی تربیت جنسی، ویژگی‌های طبیعی شناختی و گرایشی هستند که به‌طور طبیعی در انسان‌ها وجود دارند و منشأ و مبنای ادراکات، کشش‌ها، امیال، صفات و فعالیت‌های مربوط به جنس مذکر و مؤنث هستند. به عبارت دیگر، مبانی تربیت جنسی، همان هستی‌ها، قابلیت‌ها و ویژگی‌های انسانی است که خواسته‌ها و عملکردهای جنسی از آن‌ها پدید می‌آید. (همان، ص ۳۱)

مبانی تربیت جنسی با اهداف تربیت جنسی هماهنگ است. آفریدگار بر اساس حکمت

خویش، هدف‌های ویژه‌ای برای بشر در نظر گرفته است و برای نیل بشر به آن اهداف، قابلیت‌ها و ویژگی‌های خاصی در ساختار آدمی سرشته است. به عبارت دیگر، حکیم مطلق، این‌گونه ساخته است تا انسان، آن‌گونه بشود، و گرنه این‌گونه نمی‌ساخت. (همان)

برای مثال، وجود غریزه و تمایل جنسی در ساختار وجود انسان، برای اهداف ویژه‌ای مانند بقای نسل و آرامش است. خداوند، از آن جهت که کارهایش حکیمانه است و در فاعلیت، خلق و امر او هیچ‌گونه امر بیهوده‌ای وجود ندارد، محال است این مبنا را در وجود انسان سرشته باشد، بدون این‌که هدفی از آن در نظر گرفته باشد. از این‌روست که خداوند، سکون و آرامش را از اهداف خلقت انسان به‌صورت زوج (مرد و زن) دانسته است و مودّت و رحمت را بین آن‌ها قرار داده تا اهداف خلقت، تحقق یابد: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»؛ (روم/۲۱) و از نشانه‌های او این‌که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میان‌تان مودّت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند!

گزاره‌هایی که در آیات و روایات، بیان‌گر هستی‌ها، قابلیت‌ها و ویژگی‌های طبیعی (فطری و غریزی) و وضع و موقعیت وجودی آدمی‌اند و سرچشمه تمایلات و فعالیت‌های جنسی، از مبانی تربیت جنسی، حکایت دارند. (فقیهی، ۱۳۸۷، ۳۲)

در ادامه به برخی مبانی تربیت جنسی کودک که برگرفته از آیات و روایات است به‌طور موجز می‌پردازیم:

مبنای اول: غریزه جنسی و تداوم نسل

تداوم نسل، از مهم‌ترین مبانی تربیت جنسی است. این مبنا، غریزه جنسی را عامل اصلی برای تداوم نسل بیان می‌دارد. وجود چنین عاملی در وجود تمام انسان‌ها از بدو تولد به‌صورت بالقوه نهاده شده است و در طول زمان با تکوّن به بلوغ خود می‌رسد. (صالحی، ۱۳۸۱، ص ۲۱) بنابراین، وجود غریزه جنسی در کودکان به‌صورت بالقوه نهفته است. عوامل فراوانی موجب به فعلیت رساندن این قوه در طول دوران رشد کودکان تا مرحله بلوغ می‌شود. بلوغ جنسی، عامل اصلی در ایجاد و تولید نسل است. بقاء و تداوم نسل نیز با ودیعه قرار گرفتن غریزه جنسی در نهاد کودکان و از طریق پیوند جنسی با جنس مخالف ممکن خواهد بود.

مبنای دوم: پیشگیری از تهییج و تحریک شهوت

یکی از راه‌های برون‌رفت از کارکردهای منفی غریزه جنسی در تربیت اسلامی و مدیریت آن برای نیل به هدف غایی تربیت، کنترل غریزه جنسی است. یکی از ضعف‌های انسان، ضعف نفس است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا»؛ (نساء/۲۸) انسان، ضعیف آفریده شده است. برخی مفسران در تفسیر این آیه آورده‌اند: «ضعیف بودن انسان از این بابت است که خدای سبحان در او قوای شهویه را ترکیب کرده، قوایی که دائماً بر سر متعلقات خود با انسان ستیز می‌کنند و وادارش می‌سازند به این‌که متعلقات را مرتکب شود، خدای سبحان بر او منت نهاد و شهواتی را بر او

حلال کرد تا به این وسیله شهوتش را بشکند، نکاح را به مقداری که غائله عسر و حرج او را برطرف سازد، تجویز کرده است». (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۸۲)
به همین دلیل، آزادی بی‌قید و بند این قوه، نه تنها موجب ارضای درست آن نمی‌شود، بلکه زمینه‌های انحرافات و آسیب‌های بی‌شماری را فراهم می‌کند. تربیت جنسی کودک زمینه‌ای را فراهم می‌کند تا با برداشت‌ها و تصوّرات غلط در این زمینه زندگی کنند و به سوالات جنسی آنان، متناسب با سن و ظرفیت آنان پاسخ داده شود.

۵. اصول تربیت جنسی کودک

اصول تربیت جنسی یعنی قواعد و دستورالعمل‌های نسبتاً کلی‌ای که پذیرفتن و به کار بستن آن‌ها، فرد را بر می‌انگیزد تا در راستای هدف عالی قرب الهی، خواسته‌ها و فعالیت‌های جنسی خویش، همسر و فرزندان و متربیان را سامان دهد و در برآوردن نیازها و امیال جنسی، شیوه‌ای را پیش گیرد که او را به خدا نزدیک کند و خداوند را از او خشنود سازد. (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۳۲)
بر طبق نظریات متخصصان تعلیم و تربیت، اصول زیر در تربیت جنسی کودک بسیار مهم است و باید مربیان آن را در دستور کار خود قرار دهند:

اصل اول: تربیت جنسی، لازمه تربیت کامل

تمایل جنسی از بدو تولد در کودکان وجود دارد. (همان، ۱۱۲) یکی از مشکلاتی که ممکن است والدین را دچار مشکل کند، بیداری زودهنگام مسائل جنسی و بلوغ زودرس در کودکان است. کودکان در آستانه بلوغ، کنجکاوند و انگیزه جنسی، آن‌ها را به‌سوی مسائل جنسی می‌کشاند. علاوه بر این، کنجکاوی جنسی، آنان را نسبت به رشد جنسی در خود و همسالانشان حساس‌تر می‌کند. این حساسیت در مرحله‌ای از رشد روی می‌دهد که حتی آنان ممکن است از تغییرات هورمونی که در درونشان اتفاق می‌افتد آگاه نباشند. اما واقعیت این است که این هورمون‌ها نقش مهمی در حساس کردن کودکان نسبت به احساس جنسی و پاسخ‌دهی نسبت به دیگران دارند. این تغییرات بدنی به‌صورت عادی آنان را وامی‌دارد تا کنجکاوی قابل ملاحظه‌ای درباره رشد جنسی، جنسیت و روابط جنسی داشته باشند. برای همین می‌کوشند عکس، فیلم و مطالب جنسی را ملاحظه کنند. بنابراین، زمینه‌های هورمونی و کنجکاوی‌های جنسی کودکان، می‌تواند جرقه‌های بلوغ جنسی زودهنگام را در کودکان ایجاد نماید. (موسوی، ۱۳۹۹، ص ۳۶ - ۳۷)

عده‌ای تصوّر می‌کنند در خصوص مسائل جنسی لازم نیست هیچ اقدامی برای کودکان صورت گیرد و برخی دیگر معتقدند هرچه زودتر کودکان با این مسائل آشنا شوند، آسیب کمتری می‌بیند. این دو، هر کدام نگاه افراط و تفریط به این مسئله است. دیدگاه معتدل آن است که به منظور ارضای حس کنجکاوی کودکان، بعضی مسائل باید به‌صورت سر بسته و غیرمستقیم به کودک منتقل شود تا او از منابع غیرمعتبر مثل سایت‌ها، فضای مجازی و دوستانش یاد نگیرد. از آن سو نباید همه مسائل و هر

چیزی را به آنان گفت تا میل جنسی آنان زود بیدار نشود. بعضی مسائل به صورت مستقیم و بعضی حتماً به صورت غیرمستقیم گفته شود و بعضی مسائل مانند آمیزش والدین به هیچ وجه نباید به آنان گوشزد شود یا پیش چشم آنان انجام شود، چراکه زمینه انحراف جنسی را فراهم می‌کند.

اصل دوم: توجه به توان تربیتی در تربیت

یکی از اصول راهبردی در تربیت جنسی کودک، توجه مربی به توان، قدرت و ظرفیت تربیتی در مقام تربیت است؛ یعنی مربی باید توان انجام خواسته‌های مربی را داشته باشد و مربی در مقام کاربست، توان و کثرت تربیتی را لحاظ کند. (علیرضا اعرافی، درس خارج فقه تربیتی، ۱۳۹۵) بر اساس حکم عقل و آیات و روایات، تکلیف کودک به اقدامی که از توان و قدرت او بیرون است، خلاف عقل و تکلیف به محال و در نتیجه ممنوع است. (طرقی اردکانی و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۲۵)

همچنین در رعایت توان کودک، اصل تدریج را مراعات کند، زیرا تربیت جنسی به صورت دفعی نیست، بلکه در طول زمان و به تدریج، در طی مراحل رشد انجام می‌شود. رعایت فرایند تدریجی بودن تربیت جنسی به این صورت است که با توجه به مسائل عمده جنسی، در هر مرحله از رشد، آموزش‌های لازم ارائه گردد تا در سنین مختلف، مجموعه آموزش‌ها تعلیم داده شود. روزی امام کاظم؟ ع با برادرشان علی بن جعفر خواستند مطلبی خاص درباره مسائل زناشویی بیان کنند و پسری ایشان را همراهی می‌کرد. امام از پسر می‌خواهد برای نشنیدن مطلب از ایشان فاصله بگیرد، زیرا مسئله‌ای خصوصی تلقی می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳، ص ۲۷۳، ح ۲۳) این امر نشان می‌دهد بیان مسائل جنسی پیش از موعد برای کودکان، مجاز نیست، اما در برابر پرسش‌های آن‌ها باید به مقتضای سن و به تدریج پاسخ گفت.

نباید انتظار داشت که مربی کودک، همه مطالب را یکباره درک کند، بلکه به مقتضای هر مرحله، به تدریج، بخشی از مطالب آموزش داده می‌شود. تربیت کودک باید از مطالب ساده آغاز و در ادامه مطالب پیچیده‌تر را دربرگیرد. به همین دلیل، در متون روایی، در هر مرحله سنی، آموزش‌های مختلفی با هدف تربیت جنسی مطرح گردیده است. با توجه به معنای لغوی تربیت، می‌توان گفت عام‌ترین عنصر مفهوم تربیت، تغییر و تحول تدریجی است. بنابراین، مربی در تربیت کودک، باید به این اصل توجه کند.

یکی از این توان‌ها توجه به جنسیت تربیتی است. از آنجاکه هر جنسی یک نوع توانمندی دارد که جنس دیگر ندارد، مربی باید این نکته را در تربیت کودکان لحاظ کند.

اصل سوم: پوشش مناسب مربی

سلامت پوشش مربیان در مراکز آموزشی، از اصول مهم دخیل در تربیت جنسی کودک است. عدم پوشش مناسب مربی در فضای آموزشی و کلاس درس -مخصوصاً

مربی جنس مخالف _ حس کنجکاوی کودک را بیشتر می‌کند. پوشش مربیان باید به‌گونه‌ای باشد که برجستگی‌های بدنشان مشخص نباشد. همچنین از پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان و کوتاه به‌ویژه در مقابل جنس مخالف اجتناب کنند. پوشش نامناسب مربی در برابر کودکان و یا لخت شدن در برابر او، از دو جهت تأثیر نامطلوب دارد: از یک طرف حیای او از بین می‌رود و از طرف دیگر، زمینه را برای تحریک جنسی کودک فراهم می‌کند. این مسئله در مورد لخت کردن کودکان و دیدن عورت او نیز مطرح است. (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۷ - ۱۱۸)

اصل چهارم: آموزش و تربیت متناسب با سن و فهم کودک

بر پایه لزوم تربیت تمهیدی، لازم است بسیاری از مسائل جنسی مربوط به دوران بلوغ و پس از آن، متناسب با سن، فهم و جنسیت کودکان آموزش داده شود، زیرا ایجاد آمادگی لازم در هنگامه بیداری غریزه جنسی در دوران بلوغ و پس از آن، امکان آسیب و انحراف جنسی آنان را به حداقل می‌رساند. براین اساس، یکی از اصول مهم تربیت این است که مربی باید متناسب با توجه به سن و فهم کودک (ثابت، ۱۳۸۶، ص ۲۰۱) و شرایط عاطفی _ روانی کودک به دو روش مستقیم و غیرمستقیم به او آموزش بدهد. یکی از اصول اساسی تربیت کودکان، توجه به ویژگی‌های ذهنی و روانی آنان است. به عبارت دیگر، مربی باید آموزش‌ها و مفاهیم را با توجه به سطح فهم و رشد کودکان به ارائه برساند. همچنین باید به شرایط عاطفی و روانی آنان توجه داشته باشد. این توجه ممکن است به‌صورت مستقیم از طریق برنامه‌های آموزشی باشد یا به‌صورت غیرمستقیم از طریق محیط و روابط اطرافیان کودک اعمال شود.

راهنمایی‌های مناسب، کودک را از مراجعه به دوستان یا هر منبع دیگری که به بهانه رسیدن به پاسخش ناخواسته زمینه انحراف او را فراهم کند، بی‌نیاز می‌کند. آگاهی به کودک در آستانه بلوغ درباره تحولات جسمی و روانی او و نشانه‌های جدیدی که به وجود می‌آید ضروری است و نباید آن‌ها را در ابهام رها کرد. بدیهی است که این آموزش‌ها باید با عفت و مراعات حساسیت‌های لازم باشد تا حریم‌ها رعایت شود. در این اصل به فرایند آموزش‌ها بر اساس سن و فهم کودک توجه شده است.

اصل پنجم: اصل گفت‌وگوی مطلوب و پسندیده

این اصل به‌طور کلی در دوره کودکی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اصول تربیتی محسوب می‌شود، زیرا شکل‌گیری شاکله و خلق‌های درونی، از مجرای گفتارها و رفتارهایی که از وی سر می‌زند تشکیل خواهد شد؛ ازاین‌رو باید ظواهر کودک را به‌سوی گفتارها و رفتارهای مطلوب که هماهنگ با سن و فرایند رشد کودکان است سوق داد. (باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۵۲، ۲۵۱، ۲۴۹، ۲۵۳، ۲۵۵)

مطابق این اصل، لازم است در مهدکودک‌ها جملات و گفت‌وگوهایی که میان

کودکان رد و بدل می‌شود یا رفتارهایی که در تعامل با یکدیگر از آنان سر می‌زند، مرکز توجه خاص قرار گیرد.

اصل ششم: اصلاح شرایط

طبق این اصل که در دوره کودکی روشن‌تر از هر دوره دیگری جلوه‌گر است، باید به جای تمرکز بر خود کودک و رفتارهای او، نظر را به پیرامون آن معطوف ساخت و روابط او را با محیط و عوامل محیطی تغییر داد. کودک [بنابر اصل محاکات = همرنگ شدن با دیگران] به رنگ پیرامون خویش می‌گراید و با دست‌کاری پیرامون وی، خود نیز دگرگون می‌شود. برای نمونه با آن‌که بوسیدن کلینی، ۱۴۰۷، ۴۹/۶) و نوازش کودکان (همان/ ۵۰) در اسلام مورد تأکید فراوان واقع شده ولی برای جلوگیری از بروز انحرافات، دستوراتی در احادیث که هماهنگ با فرایند رشد و سن کودک است ارائه و تأکید شده است. مانند روایاتی که از مباشرت با عورت کودک پس از شش‌سالگی نهی کرده است. برای مثال امام علی ع؟ در روایتی فرمود: «مُبَاشَرَةُ الْمَرْأَةِ ابْنَتَهَا إِذَا بَلَغَتْ سِتًّا سِنِينَ شُعْبَةٌ مِنَ الزَّنا»؛ (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳/۴۳۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰/۲۳۰) مباشرت زن (و مادر) با دختر خودش بعد از شش سال، نوعی زنا است». بوسیدن و در آغوش گرفتن آنان، حدی دارد و نباید افراط و تفریط شود. در احادیث توصیه شده است که پسر بچه دختر بچه شش‌ساله را نبوسد: «إِذَا بَلَغَتِ الْجَارِيَةُ سِتًّا سِنِينَ فَلَا يُقَبِّلُهَا الْعَلَامُ...»؛ وقتی دختر بچه‌ای به شش‌سالگی رسید، جایز نیست که پسر بچه، او را ببوسد». (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱۳، ص ۴۳۷)

نتایج

تربیت جنسی کودک فرآیندی است که به رشد جنسی سالم، بهداشت جنسی، هویت‌یابی، تصوّر بدنی و نقش‌های جنسیتی کودک کمک می‌کند. آموزه‌های دینی نشان می‌دهد تربیت جنسی در اسلام کاربردی و جزئی‌نگر و در عین حال، پاینده به مبانی کلی و اصول و قواعد است.

در این پژوهش به این نتیجه رسیدیم که هدف نهایی تربیت جنسی در اسلام، قرب الی الله و رسیدن به کمال مطلق و خشنودی خداوند است. والدین و مربیان باید در تربیت جنسی کودک، مسائل جنسی را با حکمت، ظرافت و لطافت آموزش بدهند و عفت و حیا را در گفتار، رفتار و آموزش‌های خویش رعایت کنند.

مربیان باید بدانند تربیت جنسی همگام با مراحل و رشد جنسی کودک، تدریجی است و به هنگام نیاز باید در برنامه تربیتی کودک، گنجانده شود. تربیت جنسی به کودکان باید تدریجی و با توجه به سن و فهم‌شان و طی مراحل رشد انجام شود. در ارائه آموزش‌های جنسی، نیاز به اقتضای سنی کاملاً مورد توجه است و در خصوص سنّ قبل از بلوغ، بیدار کردن تمایلات جنسی ممنوع است. تأخیر در تربیت جنسی کودک پذیرفتنی نیست و چه‌بسا به سبب کسب اطلاعات از منابع ناسالم موجب اختلال

جنسی یا انحراف او گردد. پیشی گرفتن تربیت بر نیاز نیز باعث تحریک شهوت و انحراف می‌شود.

تربیت جنسی صحیح در دوران کودکی، تأثیر زیادی بر شکل‌گیری هویت جنسی سالم در مقاطع نوجوانی و جوانی دارد. اگر بخواهیم مسائل مرتبط با امور جنسی در جامعه واقع‌بینانه حل شود و کودکان امروز، در آینده به فساد و انحرافات جنسی مبتلا نشوند، نیازمند یک نظام تربیتی مدون، مبتنی بر آیات و روایات و فقه شیعی هستیم.

منابع

۱. * قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق)، *من لایحضره الفقیه*، محقق/ مصحح: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلامی الاسلامی.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، محقق/ مصحح: جمال الدین میر دامادی، بیروت، دار صادر.
۵. اعرافی، علیرضا، (۱۳۹۳)، *تربیت فرزند با رویکرد فقهی*، تحقیق و نگارش: سیدنقی موسوی، قم، مؤسسه اشراق و عرفان.
۶. اعرافی، علیرضا، (۱۳۹۳)، *فقه تربیتی*، جلد ۱، تحقیق و نگارش: سیدنقی موسوی، قم، مؤسسه اشراق و عرفان.
۷. اعرافی، علیرضا، (۱۳۹۶)، *فقه تربیتی*، جلد ۲۶، تحقیق و نگارش: احمد امامی راد، قم، مؤسسه اشراق و عرفان.
۸. باقری، خسرو، (۱۳۸۸)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران، نشر مدرسه.
۹. بیستان، حسین، (۱۳۸۸)، *اسلام و تفاوت های جنسیتی*، تهران، دفتر امور بانوان وزارت کشور و قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۰. بهشتی، محمد، (۱۳۸۵)، «تربیت جنسی از منظر فیض کاشانی»، *تربیت اسلامی*، سال دوم، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۵ش.
۱۱. ثابت، حافظ، (۱۳۸۶)، *تربیت جنسی در اسلام*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۱)، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، ج ۳، تهران، نشر گنج دانش.
۱۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۴)، *ترمینولوژی حقوق*، تهران، گنج دانش.
۱۴. جمعی از پژوهشگران، زیر نظر سید محمود هاشمی شاهروردی، (۱۴۲۳ق)، *موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت*، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعة*، محقق/ مصحح: مؤسسه آل البيت؟ هم، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۱۶. حسینی زبیدی، محمدمتضی، (۱۴۱۴ق) *تاج العروس من جواهر القاموس*، محقق/ مصحح: علی، هلالی و علی سیری، بیروت، دار الفکر.
۱۷. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۶۱)، *لغت نامه*، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دار العلم و الدار الشامیة.
۱۹. زارعی، زهرا، (۱۳۹۲)، *جنسیت و تضاد نقش های زنانه*، تهران، جامعه شناسان.
۲۰. شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغة*، محقق/ مصحح: صبحی صالح، قم، هجرت.
۲۱. شهیدی نژاد، طویه؛ گلچین، غلامرضا، (۱۳۹۱)، *روان شناسی و تربیت جنسی کودکان*،

- بی‌جا، وفایی.
۲۲. صالحی، فردین، (۱۳۸۱)، *مؤلفه‌های انحراف جنسی کودکان*، قم، راه زبان.
۲۳. طرقي اردکاني، مجيد؛ يوسفی، جعفر؛ کاظمی، سيد عنايت الله، (۱۳۹۸)، «بررسی فقهی رعایت توان منربى در اقدامات تربيتی»، *دوفصلنامه علمی _ پژوهشی مطالعات فقه تربيتی*، سال ششم، شماره ۱۱، بهار و تابستان.
۲۴. طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین*، محقق: احمد حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی.
۲۵. فقیهی، علی‌نقی و دیگران، (۱۳۸۷)، «آموزش جنسی به کودک و نوجوان از دیدگاه اسلامی و مطالعات روان‌شناختی»، *دوفصلنامه تربیت اسلامی*، سال سوم، شماره ۷، پاییز و زمستان.
۲۶. فیومی، احمد بن محمد بن علی مقرئ، (بی‌تا)، *مصباح المنیر*، قم، مؤسسه تحقیقات و معارف اهل‌بیت.
۲۷. کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۰۷)، *الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، درالکتب.
۲۸. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، محقق/ مصحح: جمعی از محققان، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۹)، *مجموعه آثار (مسئله حجاب)*، جلد ۱۹، تهران، صدرا.